



تواضع و وظیفه‌شناسی دو ویژگی بارز مرحوم دکتر احمدی بود

رئیس فرهنگستان علوم تواضع و وظیفه‌شناسی را از امتیازات بارز دکتر احمدی دانست و گفت: نمی‌توانم بگویم با هر چه کردند و هر چه گفتند موافقم اما می‌دانم که مرحوم دکتر احمدی هر چه گفت و کرد با نیت خیر بود. دکتر رضا داوری اردکانی در مراسم چهلمین روز درگذشت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی که هفته گذشته در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد، تحمل مرگ دوست در هر سن و سال را بسیار مشکل توصیف کرد و گفت: ما در سنت گرامی اسلام یاد اموات را گرامی می‌داریم و به نیکی از آن‌ها یاد می‌کنیم، اما ذکر خیر دکتر احمدی حکایت از بزرگی شأن و قدر آن مرحوم داشت.

وی در ادامه تصریح کرد: مرگ جزئی از زندگی انسان و همواره با انسان است که البته روزی به زندگی پایان می‌دهد. استثنایی در این زمینه وجود ندارد. مرگ خاص آدمیان است و کل نفس ذائقه الموت دلیل این معنی است. آدم‌ها می‌میرند اما چیزها هالکنند و ذوق مرگ ندارند. کاش بتوانیم با این همخانه همه عمر خود با انس و رفیق به سر ببریم. مهم اینست که مرگ پایان نیست بلکه می‌تواند آغاز دیگری باشد چنانکه گاهی بزرگی مردمان با مرگشان ظهور می‌کند.

رئیس فرهنگستان علوم، خاطرنشان کرد: من 50 سال با مرحوم احمدی همراهی و همکاری و دوستی داشتم. امروز هم به حکم وظیفه دوستی باید یادی از دوست گران‌مایه خود بکنم. در واقع دکتر احمدی یک انسان متشرع اخلاقی و متواضع بود و تواضعش چندان بود که نمی‌خواست و قبول نمی‌کرد که حتی در نماز به او اقتدا کنند. متشرع بودن و اخلاقی بودن قاعدتاً باید یکی باشد یعنی متشرعان همه باید اخلاقی باشند اما اخلاقی بودن ضرورتاً به معنای متشرع بودن، نیست ولی اگر متشرع بودن و اخلاقی بودن یکی است چه وجهی دارد که می‌گوییم دکتر احمدی متشرع اخلاقی بود. احکام شرع کلی است و کسی که آنها را درمی‌یابد و اجرا می‌کند با درکی که از شرایط عمل دارد حکم را می‌فهمد و به آن عمل می‌کند. به این جهت است که گاهی بعضی از متشرعه‌ها ظاهربین نه فقط رعایت اخلاق را نمی‌کنند بلکه مرتکب کارهای زشت می‌شوند و آنها را متابعت می‌دانند. دکتر احمدی در زمره متشرعانی بود که همواره به عمل و وظیفه خود می‌اندیشید.

دکتر داوری همچنین وظیفه‌شناسی را یکی دیگر از ویژگی‌های بارز مرحوم دکتر احمدی توصیف کرد و گفت: کار سازمان «سمت» را دست کم نگیریم، در واقع یکی از مشکلات جامعه ما مسئله علوم اجتماعی و تلقی ما از این علوم است. انصافاً حضور دکتر احمدی در سمت ریاست این سازمان، بسیار مناسب و مؤثر بود و آن مرحوم با سماحت و مدارایی که داشت کتاب‌ها را برمی‌گزید و سخت‌گیری نمی‌کرد.

ما دوست و همکار بودیم. شاید مسائل و مباحث مورد علاقه مان متفاوت بود اما این مانع نمی‌شد که به سخن هم گوش ندهیم. من از مرحوم آقای دکتر احمدی بسیار چیزها آموخته‌ام و آخرینش را اینجا می‌گویم. یک روز در جلسه گروه علوم اسلامی فرهنگستان که ایشان هم عضو آن بود، درباره ترجمه‌های قرآن و مخصوصاً از نادرست بودن یا نارسا بودن ترجمه بعضی آیات سخن گفتند. آنچه برای من بیشتر اهمیت داشت، فهم صورت و معنای آیه شریفه «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین» بود. من این آیه را که بیان ذات آدمی است، با توجه به مضمونش مدام به صورت ورد می‌خواندم و راهی به درک درست صورت و معنی آن پیدا نمی‌کردم. مرحوم دکتر احمدی ترجمه‌های مختلف این آیه را خواند و با یک اشاره لالقل مشکل مرا تا حدود زیادی رفع کرد. آیه ای که ذکر شد عمقی عجیب دارد و وصفی از انسان است که رسیدن به عمق آن حتی برای حکیمان هم آسان نیست. اشاره دکتر احمدی این بود که اسفل سافلین حال است. پیش از آن من از خود می‌پرسیدم چرا نه «فی یا الی اسفل المسافلین» و چرا «رددناه اسفل سافلین». معنی آیه با این اشاره چیز دیگری می‌شود. قوام وجود آدمی به‌ترتیب قوام و تقویم را دارد اما می‌تواند از این تقویم نزول و تنزل کند. مشکل من این بود که وقتی آدمی را در «احسن تقویم» خلق کرده‌اند، چرا او را در درکات «اسفل سافلین» رها ساخته‌اند. البته در دنباله آیه مؤمنان و صاحبان عمل صالح مستثنی شده‌اند. چگونه می‌شود که خداوند قبل از آفرینش، آدمیان را با شایستگی‌ای که به ایشان بخشیده به اسفل سافلین افکنده باشد؟ ولی وقتی اسفل سافلین را حال بدانیم، آیه این نمی‌گوید بلکه می‌گوید ساحت امکان وجودی او را از احسن تقویم تا اسفل سافلین فسحت بخشیدیم تا خود راه را اختیار کند. اگر عین گفتار دکتر احمدی را نیاوردم، امیدوارم از آنچه او آموخت دور نشده باشم. خداوند دوست عزیز ما را رحمت فرماید که قرآنی بود و با قرآن انس داشت.